

به نام خدا

تأثیر خانواده بر اشتیاق به تحصیل فرزندان

مؤلف :

سیده فاطمه هاشمی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : هاشمی، سیده فاطمه ، ۱۳۵۸

عنوان و نام پدیدآور : تاثیر خانواده بر اشتیاق به تحصیل فرزندان / مولف سیده فاطمه هاشمی.

مشخصات نشر : ارسطو (سازمان اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری : ۹۴ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۶۵۴-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه: ص ۹۴-۷۵.

موضوع : خانواده - اشتیاق به تحصیل - فرزندان

رده بندی کنگره : LB۳۰۳۰

رده بندی دیویی : ۳۷۱/۱۰۴۰

شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۱۴۶۸۱

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : تاثیر خانواده بر اشتیاق به تحصیل فرزندان

مولف : سیده فاطمه هاشمی

ناشر : ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲

چاپ : زبرجد

قیمت : ۸۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۶۵۴-۰

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۱۵	مبانی نظری و پیشینه پژوهش
۱۶	اشتیاق تحصیلی
۲۰	انگیزش
۲۲	مؤلفه‌های مرتبط با اشتیاق تحصیلی
۲۵	مدل‌های اشتیاق تحصیلی
۲۶	پیشینه نظری
۳۶	سبک‌های فرزندپروری
۴۰	سنخ‌شناسی فرزندپروری
۴۴	راه‌های انتخاب روش‌های تربیتی
۴۵	مسئولیت و سلامت روانی والدین
۴۵	ویژگی‌های کودکان
۴۶	محیط منابع استرس و حمایت
۴۷	تغییر در الگوی تربیت فرزندان در ایران
۴۸	انواع تیپ‌های خانواده
۴۹	سبک‌های فرزندپروری
۵۶	مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری
۵۷	برنامه خوددلگرم‌سازی

٧٥	منابع و مأخذ
٧٦	منابع فارسی
٨٤	منابع لاتین



مقدمه

سازمان‌های آموزشی از جمله مدارس برای اینکه بتوانند در عرصه رقابت به نیازهای روزافزون جامعه پاسخ گو باشند، ضروری است که روند بهبود خود را تحقق بخشند؛ تحقق یافتن این امر وابسته به توجه به نیازها و انگیزه‌های معلمان در مدارس است، زیرا معلمان به منزله عنصری مؤثر در تشکیل سازمان‌های آموزشی و به تبع آن در فرایند آموزش و یادگیری برای تحقق بخشیدن به اهداف آموزش و پرورش رسالتی مهم به عهده دارند (صحرانورد و عباس‌پور، ۱۳۹۵).

به دلیل تعاملات روزانه معلمان با دانش‌آموزان، همکاران و خواسته‌های دائم، پیوسته و از هم گسیخته تدریس و فشارهای طاقت فرسا چالش‌هایی برای آن‌ها ایجاد می‌شود. پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که بیشتر معلمان دلسردی و درماندگی روانشناختی زیادی را تجربه می‌کنند که بر عملکرد سازمانی و سلامت آنان تأثیر می‌گذارد (طولابی، پوراشرف و عباس‌پور، ۱۳۹۷؛ شریعتمدار، حسن‌پور و کلانترهرمزی، ۱۴۰۰). محیط کار دارای منابع بالقوه‌ای برای ایجاد فشار روانی است. پاسخ معلمان به فشارهای روانی ناشی از کار می‌تواند روان‌شناختی، فیزیولوژیک و رفتاری باشد. از آنجا که نقش آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تعیین کننده است و نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های مختلف توسط این بخش تربیت می‌شود، تقویت و توسعه این بخش زیر بنای توسعه سایر بخش‌هاست (علیمحمدی، جباری و نیازآذری، ۱۳۹۸)؛ بنابراین آموزش و پرورش برای بقای خود بیش از هر سازمان دیگری به توانمندسازی و نگهداشت معلمان خود از طریق اجرای روش‌های آموزشی مناسب احتیاج دارد (نویدکیا، واعظی و قربانی‌زاده، ۱۴۰۰).

روان‌شناسان رشد همواره علاقه مند بوده اند که چگونگی تأثیر روش‌های تربیتی والدین را بر رشد قابلیت‌های اجتماعی کودکان مطالعه و بررسی نمایند. یکی از مهم‌ترین مباحث در این حوزه فرزند پروری^۱ نامیده می‌شود. فرزندپروری فعالیت پیچیده‌ای شامل روش

ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد. در واقع پایه و اساس شیوهٔ فرزند پروری مبین تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان شان است. البته باید توجه داشت که در این تعریف روش های بهنجار، فرزند پروری مورد نظر است و روش هایی چون سوء استفاده از کودکان را در برنمی گیرد. بامریند^۱ روش های فرزندپروری را براساس تفاوت های آن در کنترل فرزندان متمایز کرده است اگرچه والدین ممکن است در چگونگی کنترل و اجتماعی کردن فرزندان خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند، ولی به نظر می رسد که همه والدین در تعلیم و تربیت و نظارت بر فرزندان نقش اولیه را به عهده دارند(شکوهی یکتا، پرنده، فقیهی، ۱۳۹۲).

بامریند(۱۹۹۱) سبک فرزند پروری را به عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می کند و با توجه به ابعاد رفتاری، گرمی و کنترل، آن را به انواع مستبدانه^۲، مقتدرانه^۳ و سهل گیرانه^۴ تقسیم می کند. سبک فرزندپروری مستبدانه، با کنترل سخت، سطح محدودیت بالا، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت عاطفی و گرمی مشخص می شود. والدین با این سبک فرزندپروری فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند و انتظار دارند که فرزندان خواسته ها و تقاضاهای آنها را بی چون و چرا برآورده کنند.

سبک فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل و حمایت عاطفی بالا، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می شود. والدین با این سبک تربیتی به صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده اند. آنها در عین حال که بر رفتارهای کودکانشان کنترل دارند، برای خواسته هایی که از فرزندان خود انتظار دارند نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می کنند و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می کنند.

-
1. Baumrind
 2. authoritarian
 3. Authoritative
 4. permissive

سبک فرزندپروری سهل گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ دهی به خواسته های کودک مشخص می شود. والدین سهل گیر سعی دارند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، با این حال بر اعمال فرزندان خود کنترل و نظارت ندارند (کارازه، عبدی، حیدری، ۱۳۹۴). روانشناسان، شخصیت را بیشتر محصول عوامل ژنتیکی و فردی می دانستند اما به تدریج با توسعه دانش و انجام مطالعات تجربی به خصوصیات و عوامل محیطی - اجتماعی نیز اهمیت دادند. لذا، آنان معتقدند که پنج سال اول زندگی، بیشترین تاثیر را در زندگی فرد دارد؛ همچنین مطالعات مختلف نشان می دهد یکی از عوامل موثر در توسعه و شکل گیری ویژگی های شخصیتی جوانان، شیوه فرزند پروری والدین است. و خانواده، یکی از مهمترین عوامل محیطی تاثیر گذار در فرایند تکوین شخصیت و ویژگی های شخصیتی است (قدس علوی، ۱۳۹۲). کلونینجر^۱ و همکارانش یک مدل زیستی - عصبی^۲ پیشنهاد داده اند که شخصیت بهنجار و نابهنجار را در برمی گیرد این مدل سعی می کند پایه های بیولوژیکی شخصیت را با رشد ایجاد شده توسط تجربه و یادگیری فرهنگی در هم آمیزد، که شامل چهار بعد سرشت^۳ و سه بعد منش^۴ می باشد (ادن^۵، سرا^۶، کاسی^۷، ناتالی^۸، ۲۰۰۹).

شور و شوق تحصیلی مقدار انرژی است که یادگیرنده برای تحصیلات خود و همچنین اثربخشی و کار آیی حاصل از آن خرج می کند (قدم پور، فرهادی، نقی بیرانوند، ۱۳۹۵). نیومن، والگ، لامبورن^۹ (۱۹۹۲) آن ها شور و اشتیاق تحصیلی را به عنوان سرمایه روانی دانش آموزان و تلاش مستقیم آن ها برای یادگیری و کسب مهارت ها و اشتیاق برای ترویج موفقیت تعریف کرده اند که می تواند منجر به مشارکت مؤثر در فعالیت های مدرسه، حضور

-
1. Cloninger
 2. Neurobiological
 3. Temperament
 4. Character
 5. Adan
 6. Serra
 7. Caci
 8. Natale
 9. Newmann, Wehlage, Lamborn

در فعالیتهای کلاسی، تطبیق مبتنی بر مدرسه و یک رابطه خوب با معلمان و دیگر دانش‌آموزان شود (به نقل از علی صونی، پیری زیرکوهی، ۱۳۹۷).

در مدل اشتیاق تحصیلی رومبرگر و لارسون^۱ (۱۹۹۸) شور و اشتیاق تحصیلی دو مؤلفه از شور و اشتیاق آکادمیک و شور و شوق اجتماعی است که به سازگاری آکادمیک کمک می‌کند. در این مدل، شور و شوق اجتماعی توسط رفتارهایی همچون حضور در کلاس‌های درس، پذیرش مقررات و مشارکت فعال در امور مربوط به کلاس تعریف می‌شود و شور و شوق تحصیلی شامل نگرش‌های دانش‌آموزان نسبت به مدرسه و توانایی برآورده کردن انتظارات عملکرد هست. اشتیاق آکادمیک دارای سه بعد رفتاری (رفتارهای مثبت، آموزش، مشارکت در فعالیتهای فوق‌برنامه مدرسه)، هیجانی (احساسات، علائق، ادراکات و نگرش نسبت به مدرسه) و شناختی (توانمندسازی روان‌شناختی دانش‌آموزان در یادگیری و به‌کارگیری راهبردهای خودتنظیمی) است (بلومنفلد و پاریس^۲، ۲۰۰۴) این نقش مهمی در موفقیت تحصیلی، ارتقا تحصیلی دانش‌آموزان و کاهش رفتارهای پرخطر در مدارس ایفا می‌کند. (جنیفر، فردریک^۳، ۲۰۱۵)؛ زیرا تعهد دانش‌آموز را نسبت به اهداف آموزشی و درگیری دانش‌آموز با تکالیف مربوطه را بیشتر می‌کند (مؤمنی، عباسی، پیرانی، بگیان کوله مرز، ۱۳۹۷).

تربیت فرزندان در کانون خانواده سالم مهمترین عامل در رشد سالم کودکان می‌باشد. ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سال‌ها نظر صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه را درباره‌ی جهان فرامی‌گیرد (سیف، ۱۳۸۷). هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویشان به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزندپروری نامیده می‌شود. متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی،

-
1. Rumberger, Larson
 2. Blumenfeld, Paris
 3. Jennifer A. Fredricks

اقتصادی و غیره می‌باشد. شیوه‌های فرزندپروری به عنوان مجموعه یا منظومه‌ای از رفتارها که تعاملات والد - کودک را در طول دامنه‌ی گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند و فرض شده است که یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می‌آورد. شیوه‌های فرزندپروری یک عامل تعیین‌کننده و اثرگذار است که در رابطه بین والد - کودک است (سیف، ۱۳۸۷). با مریند سه سبک فرزندپروری تعریف کرده است. مستبدانه، مقتدرانه (دموکراسی مآبانه)، سهل‌گیرانه این سه سبک فرزندپروری در دو مشخصه با هم متفاوت هستند: ۱- توجه یا محبتی که کودک بدست می‌آورد. ۲- کنترل رفتار و فعالیت‌های کودک (ماسن، ۱۳۷۴). والدین دارای سبک مستبد بر کنترل کودک و فرمانبرداری او تأکید دارند آن‌ها خودمختاری کودک را محدود می‌کنند و رفتار مناسب را برای آن‌ها تعیین می‌کنند این والدین از اصول اجباری طرفداری می‌کنند (ماسن، ۱۳۷۴). در سبک آسان‌گیر والدین از اعمال هر نوع سخت‌گیری و کنترل اجتناب می‌کنند. والدین سهل‌گیر به فرزندان اجازه می‌دهند برای خود تصمیمات بسیاری بگیرند. در سنی که آنها ظرفیت چنین کاری را ندارند. یکی از عواملی که از سنین بسیار کم آسیب‌پذیری برای بسیار از مشکلات و مسائل در آینده را پیش‌بینی می‌کند، ساختار شخصیت است. ساختار کلی و ابعاد شخصیت در سنین کودکی استقرار می‌یابد و از ثبات بالایی در طول زمان برخوردار است (فشالنجی و همکاران، ۱۳۹۱). در نظریه کلونینجر سرشت به پاسخ‌های هیجانی خودکار باز می‌گردد. تا حدودی جنبه وراثتی دارد و در سراسر زندگی استوار می‌ماند. از نظر ژنتیک همگن و از یکدیگر مستقل هستند و این بدان معناست که ژن‌های مختلف بر فعال شدن، تداوم و بازداری رفتاری موثر است. اما در مقابل، منش تأثیر اندکی از انتقال وراثتی دارد و بیشتر تحت تأثیر محیط خانواده و حاصل یادگیری اجتماعی و فرهنگی است که در طول زندگی رشد می‌کند. هر کدام از ابعاد سرشت و منش در یک دستگاه (شبکه) تعاملی، سازگاری و تجربیات زندگی را هدایت می‌کند و چگونگی عملکرد این دستگاه تعاملی، فرد را آماده ابتلا به اختلال‌های هیجانی و رفتاری می‌کند. سبک‌های دلبستگی تعیین‌کننده قواعد عاطفی، شناختی و راهبردهایی است که واکنش‌های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می‌کند (کرمی، یزدانبخش و کریمی، ۱۳۹۵). سبک‌های دلبستگی که در

چارچوب رابطه کودک - مادر شکل گرفته و استقرار می یابد، روش های مواجهه فرد با موقعیت های تنیدگی زا (با توجه به سبک های دلبستگی فرد) بسیار مهم است و سبک های دلبستگی به دلبستگی ایمن و نایمن (دوسوگرا-اجتنابی) تقسیم می شوند. رابطه مادر و کودک مهمترین اصلی است که در رشد شخصیت انسان مورد تاکید اکثر روانشناسان قرار گرفته اند. رابطه عاطفی میان مادر و نوزاد به روابط اجتماعی کودک در آینده شکل خواهد داد و نحوه برخورد مادر با کودک و شیوه فرزند پروری وی در چگونگی اجتماعی شدن و کسب مهارتهای اجتماعی فرزند تاثیر بسزا دارد در واقع دلبستگی بین مادر و کودک شالوده اجتماعی شدن کودک در سالهای بعدی را فراهم می کند. این پیوند در رشد سالم کودک امری جدی، گسترده و فوق العاده مهم است (ماسن، ۱۳۷۴). از طرف دیگر اشتیاق تحصیلی یک سازه چندبعدی است و ایجاد و افزایش آن در دانش آموز نیاز به یک برنامه جامع، عملیاتی و چندبعدی دارد. بر اساس گزارش یونسکو (۲۰۱۳) نزدیک به ۱۴ میلیون دانش آموز در سراسر جهان ترک تحصیل نموده اند. همچنین نرخ ثبت نام دانش آموزان در مدارس با کاهش قابل توجهی مواجه شده است. در دهه های اخیر محققان علاقه مند به امر تعلیم و تربیت در تلاش گسترده خود برای شناسایی عوامل مرتبط با عملکرد و پیشرفت تحصیلی مفهوم اشتیاق تحصیلی را معرفی کردند. اشتیاق تحصیلی به میزان انرژی که یک فراگیر برای انجام کارهای تحصیلی خود صرف می کند و نیز میزان اثربخشی و کار آیی حاصل شده اطلاق می شود. دانش آموزانی که اشتیاق تحصیلی داشته باشند، توجه و تمرکز بیشتری بر مسائل و موضوعات مورد هدف یادگیری دارند، به قوانین و مقررات مدرسه تعهد بیشتری نشان می دهند، از انجام رفتارهای ناسازگارانه و نامطلوب اجتناب می کنند و در آزمون ها عملکرد بهتری دارند (عزیزی، اوجی، ۱۳۹۸). در مقابل فقدان اشتیاق به مدرسه می تواند پیامدهای جدی نظیر عدم پیشرفت در مدرسه، تمایل به رفتارهای انحرافی و خطر ترک تحصیل را به همراه داشته باشد (وانگ، هولکامبی^۱، ۲۰۱۰). دانش آموزان امروز، آینده سازان کشور هستند و آموزش و پرورش نقش اصلی را در پرورش این دانش آموزان بر عهده دارد. از جمله عوامل مؤثر بر میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی

دانش‌آموزان، اشتیاق تحصیلی هست که می‌تواند نقش کلیدی در ارتقاء و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایفاء کند؛ بنابراین، بررسی وضعیت اشتیاق تحصیلی و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان و تعیین رابطه‌ی حمایت تحصیلی و سرزندگی تحصیلی از اهمیت و ضرورت فوق‌العاده‌ای برخوردار خواهد بود. از طرف دیگر نبود پژوهشی که این متغیرها و ارتباط بین آن‌ها را در دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داده باشد، ضرورت انجام چنین پژوهشی را موجه می‌سازد. لذا بررسی پیش‌بینی مؤثر بر این دو متغیر در دانش‌آموزان با توجه به اینکه نسل آینده‌ساز جامعه هستند اهمیت پیدا می‌کند. بی‌صدقاتی تحصیلی علاوه بر ایجاد اختلال در قوانین انضباطی محیط علمی، اثرات منفی و آسیب‌رسانی بر یادگیری، نحوه تفکر، پیشرفت و تندرستی فراگیران دارد (رون اکسین و آکسائو پین، ۲۰۰۷) اگرچه بی‌صدقاتی تحصیلی گستره وسیع‌تری از رفتارهای فریبکارانه را در برمی‌گیرد اما در محیط‌های آموزشی عموم بجای آن از واژه تقلب استفاده می‌شود. پژوهش‌ها آثار سوء روانی تقلب مانند بروز احساس ترس، حقارت و پنهان‌کاری و در کل بنا به گفته برخی از روانشناسان یک بیماری روحی شخصیتی (شرفی و علی بیگی، ۱۳۹۲) و جسمانی مانند بر فراگیران را نشان داده‌اند. از پیامدهای منفی دیگر که پژوهش‌ها نشان داده است، رابطه مستقیم میان تقلب دانش‌آموزان در مدرسه و رفتارهای غیراخلاقی در محیط‌های کاری است، به‌طوری‌که بین ۸۲ تا ۹۳ درصد دانش‌آموزان متقلب بعدها در محیط کار هیچ پیشرفت شغلی نداشته و یا حتی از کار اخراج می‌شوند (لیم و سی، ۲۰۰۱) و حتی طبق پژوهش‌ها بیشتر افرادی که در محیط کاری مشغول بازی‌های کامپیوتری بوده و برای انجام امور شخصی وب گردی کرده و مدت‌زمان طولانی از زمان کاری خود را صرف مکالمات تلفنی شخصی می‌کنند، از فراگیران متقلب گذشته بوده‌اند (ویتلی، ۲۰۰۲) از آنجایی که ارزش هر جامعه به معلمان و مربیان آن جامعه است (نارنجی ثانی، میرکمالی و اسدی، ۱۴۰۰). معلم به عنوان کارشناس «یادگیری اثربخش» مهم‌ترین نقش را در یادگیری اثربخش ایفا می‌کند و ضرورت دارد دارای صلاحیت‌های لازم برای

1. Ron Auxin and Aksao Pin
2. Lim and Si
3. Whitley

انجام چنین نقشی در نظام آموزشی باشد. برای تحقق چنین پنداره‌ای باید شرایط لازم برای توسعه حرفه‌ای مداوم فراهم باشد و منابع لازم بسیج گردند (طاهری نمپیل، نصیرزاده و رستمی‌برندق، ۱۴۰۰). از این رو سازمان‌های آموزشی از جمله مدارس برای اینکه بتوانند در عرصه رقابت به نیازهای روز افزون جامعه پاسخ‌گو باشند، ضروری است که روند بهبود خود را تحقق بخشند (قنبری، حیدری و عدالملکی، ۱۴۰۰). تحقق یافتن این امر وابسته به توجه به منابع انسانی به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین کننده در حرکت صحیح سازمان‌ها به سمت اهداف سازمانی می‌باشد (علی بابایی و تیموری، ۱۳۹۵). کارشناسان معتقدند که نظام آموزش و پرورش ایران از کاهش کارایی و بهره‌وری رنج می‌برد و برنامه‌های توانمندسازی نظام‌مند کمتر به چشم می‌خورد. در حالی که توانمندسازی یک راهکار مهم برای توسعه و تطابق با روند تغییرات محیط داخلی و خارجی سازمان آموزش و پرورش است (به نقل از خوب چهره و همکاران، ۱۴۰۰). خانواده و سازگاری اجتماعی بنیاد یک خانواده با پدر و مادر ریخته می‌شود. پیش از این که خانواده گسترش یابد، این دو کوشش می‌کنند که هم خود را بهتر درک کنند و هم طرف مقابل را، هم چنین سعی می‌کنند تا حد ممکن بفهمند گره مشکلات در کجاست تا حلشان کنند. فرزندان به دعوای پدر و مادر و خشونت‌های لفظی، حتی به رنجش‌های پنهان و گله‌های ابراز نشده حساس هستند. بنابراین به خاطر فرزندان بایستی خانواده‌ها در جهت توافق و سازگاری بیشتر تلاش نمایند و اگر اختلافی هست باید در غیاب آنان مطرح و حل شود. مهم این است که مشکلات با راه حل‌های منطقی حل گردد و در این جا، کلید حل مسئله، فهمیدن یکدیگر می‌باشد که به کودکان بردباری و سازگاری می‌آموزد و ناهمواری‌ها، شخصیت آن‌ها را برای سازگاری با اجتماع آماده می‌سازد. کودکانی که در خانواده، سازگاری با دیگران را می‌آموزند، بهتر می‌توانند با محیط بیرون و شخصیت‌های گوناگون آن، خود را تطبیق دهند. این که فکر کنیم کودک در آینده می‌تواند اشخاص شبیه به خود را بیابد و با آن‌ها معاشرت کند، حرف بیهوده‌ای است چرا که همیشه این اتفاق نمی‌افتد. زیرا او مجبور است در نخستین تماس بیرون از خانه، با شخصیت‌های متفاوت با خویش تماس داشته باشد (گلشن مهر، ۱۳۹۱).

محیط رشد اجتماعی و روانی خانواده و نحوه عملکرد^۱ خانواده، نخستین نهاد زندگی اجتماعی به شمار می‌رود. در خانواده و با عملکرد خانواده است که فرزندان با شکل‌گیری شخصیت‌اش، شناختن دیگران را فرا می‌گیرد و سازگاری اجتماعی را پیشه می‌کند. اگر این الگو از نظر روانی، سالم نباشد یعنی به طور مثال سلطه جو و زور مدار یا بر عکس جبون و متملق یا بی صداقت و... باشد فرزندان همان را درست می‌پندارد و سرمشق قرار می‌دهد. تاثیر الگوهای رفتاری نامناسب، موجبات فراهم آمدن بیماری شخصیت و ناسازگاری اجتماعی در فرزندان خواهد شد که در آینده در مواجهه با جامعه نمایان خواهد شد و دامنه‌ی آن بستگی به میزان بیماری شخصیت فرد از ناسازگاری‌های معمول اجتماعی تا اقدام به کارهای غیر اجتماعی و ضد اجتماعی گسترش دارد (گلشن مهر، ۱۳۹۱).